

این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را باز نشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.



چرا از مرگ بدمان می‌آید؟

آیت‌الله حق‌شناس (ره):

این حدیثی که می‌خوانم شنیده‌اید اما باز یک بار دیگر بشنوید و توجهانی تازه بکنید رفقا: جاء رجل إلی أبی ذرٍّ فقال: یا أبا ذرٍّ ما لنا نکره الموت؟ چرا ما از #مرگ بدمان می‌آید؟ یا ابادرا چرا حالت نوع مردم این است که از مردن بدشان می‌آید؟
فقال: لانکم عَثرتمُ الدُّنیا و آخرتکمُ الآخره فَفَکَروهُمُ اَن تُنْقَلُوا مِن عَمران إلی خراب. فرمود: چون دنیا را آبادان و معمور کردید! می‌ساختمان، هی ساختمان دنیا را از هر جهت تعمیر کردید، اما آخرت خراب است، برای ساختمان آخرت کاری نکردید، به‌خاطر همین کراهت دارید، بدان می‌آید از این که از جای آباد به جای خراب بروید.
منبع: بر گرفته از کتاب مواظف، ص ۷۴



از فیلترینگ برایتان رأی در نمی‌آید

نگرس رئیسی در توییتی نوشت: سخنگوی قوه قضائیه خیلی محترم‌نامه و شیک آب پاک‌ی رو ریخت در دست بعضیا و گفت خبری از فیلتر شبکه‌های اجتماعی نیست. آقایان سبید رأی تون رو از فیلترینگ و تخریب قوه قضائیه بردارید اینجا چیزی گیر تون نمیداد!

آقای ظریف! چی شد؟

مجید شاکری در توییتی نوشت: قفلون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها که در زمان تصویب همه دولت یکبار چه با آن مخالفت می‌کرد اکنون بخش اصلی منطق وزیر محترم امور خارجه در همه گفتو‌گوهای رسانه‌ای است.



نان خوری غائله‌های مجازی!

جواد آقایی در توییتی نوشت: حیات بعضی از این فجازی کارها وابسته به وجود یک غائله است! حالا این غائله چه نفع و ضرری دارد هم برایشان اهمیتی ندارد! چنان فضا را داغ می‌کنند که هیچ واکنش مربوطه یا پوزش یا حکم دادگاهی افکار عمومی را در باب آن موضوع مطرح شده قانع و آرام نمی‌کنند! نان این جماعت در طلبکار است!



راه فقر زدایی تسهیل کار آفرینی است نه پول‌پاشی!

سیدامیر سیاح در توییتی نوشت: افزایش بارانه خانواده‌های بی‌سرپرست ضروری است اما راه مؤثر فقر زدایی، تسهیل کار آفرینی است نه پول‌پاشی! کثیری از جوانان فقیر و بیکار می‌خواهند کاسبی کنند، اما مشکل #بمچوز دارن. مجلس به‌جای توزیع بارانه، صدور مجوزهای کسبوکار را سهل کند.



قسم حضرت عباس را باور کنیم؟ یا دم خروس را؟!

محمد ایمانی در توییتی نوشت: بهزاد نبوی: «اختیارات رئیس‌جمهور ۱۰ درصد هم نیست و نمی‌تواند کار کند.» او حالا چند روز پیش آن‌ نهاد اجماع ساز اصلاح‌طلبان برای معرفی نامزد نهایی با حضور بهزاد نبوی تشکیل شد. قسم حضرت عباس را باور کنیم؟ یا دم خروس را؟!



روزنامه جوان | شماره ۱۶۳۱۲ | پنج‌شنبه ۹ بهمن ۱۳۹۹ | ۱۴ جمادی‌السنی ۱۴۴۲ |

گایبران



واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به حکم مجازات مهدی جهانگیری و عیسی شریفی

خدا قوت به آیت‌الله رئیسی که فراجناحی عمل می‌کند

قوه قضائیه خواستند علاوه بر فاسدان با عواملی که موجب به وجود آمدن این فسادها شدند یا باسهل‌انگاری مانع آنها نشوند نیز مقابله و در برابر فشارها ولایی ایستادگی کند. البته برخی کاربران نیز به حکم مهدی جهانگیری اعتراض داشته و دو سال حبس را از میزان فساد ایشان یکسان نمی‌دانند. بخشی از واکنش‌های کاربران شبکه‌های اجتماعی را در ادامه می‌خوانید.

با اعلام خیر محکومیت مهدی جهانگیری و عیسی شریفی کاربران شبکه‌های اجتماعی با توییت‌های خود از این اقدام قوه قضائیه تشکر کردند. آنها اذعان داشتند شجاعت قوه قضائیه در برخورد با پمهرهای سیاسی هر دو جناح نشان دهنده عملیات فراجناحی قوه قضائیه و کمر همت ریاست قوه قضائیه به هر خورد با مفسدان در هر سطح، دسته‌ و گروهی است. کاربران همچنین از

مهدی کشت آرا:

حکم پرونده #مهدی جهانگیری صادر و برای اجرا ابلاغ شد. دو مورد دو سال حبس، رد مال، جریمه نقدی در یک پرونده به میزان چهار برابر مال تحصیل شده، دو مورد تحمل ۷۴ ضربه شلاق که یکی تعویق شد و دیگری تبدیل به جزای نقدی.

محمد پاداش:

اگر تا دیروز فریب‌دون و ریخته‌گران و رعیت و طبری‌ها به پشت‌واصی حامیان

قدرتمندشان در محافل خصوصی لاف می‌زدند که کسی را یارای بر خورد با آنها نیست، امروز متهم به فساد ی نیست که به تنش لوزه نیفتاده باشد که شاید فردا نوبت اوست! حکم مهدی جهانگیری هم قطعی شد و باید دو سال آب خنک نوش جان کند!

سید نظام‌الدین موسوی:

برادر معاون اول رئیس‌جمهور به اتهام ۷/۶میلیارد تومان قاچاق ارز به دو سال زندان محکوم شده است. این یعنی قوه قضائیه از کوچک‌ترین تخلف از دانه درشت‌ترین افراد نمی‌گذرد. اتهام ارزی مالک شرکت هفت تپه ۱/۵میلیارد دلار یعنی حدود ۴۰هزار میلیارد تومان است. منتظر اجرای هر چه سریع‌تر عدالتیم.

علی قلعهگی:

«مهدی جهانگیری»؛ بابت قاچاق ارز، حکم دو سال زندان گرفت. رکورد میزان وثیقه در کشور هم با رقم ۱۰۰۰ میلیارد تومان در سال ۹۶ برای مهدی جهانگیری است؛ به قیمت دلار امروز، وثیقه جهانگیری حدود ۷۵۰۰میلیارد تومان می‌شد. مبلغ این «بتر وثیقه» با حکم دو سال زندان می‌خواند!

محسن پوربیر:

«مهدی جهانگیری به جرم قاچاق ارز به ارزش ریالی ۲۶میلیارد تومان قاچاق ارز به دو سال حبس و ضبط ارز قاچاقی شده و پرداخت جزای نقدی چهار برابر برای وی محکوم شده است.» تورم، اختلاف طبقاتی، گرانی، بیکاری ناشی از عدم مدیریت صحیح در دولت یک طرف، رانت و اختلاس نزدیکان رئیس‌جمهور و معاون اول طرف دیگر.

علی جعفری:

جهانگیری دو سال حبس؛ عیسی شریفی ۲۰ سال حبس؛ جهانگیری ۷/۶میلیار تومان رد مال؛ شریفی ۴۷۰میلیارد تومان رد مال. خدا قوت به آیت‌الله رئیسی که فراجناحی عمل می‌کند و برایش فرقی ندارد که فاسد دست راست قالیباش است یا جهانگیری کاش بقیعه هم الگو بگیرند و مبارزه با فساد را اساسی نکنند.

شکست مقدمه پیروزی نیست، مقدمه شکستی دیگر است



چگونه بدون ماسر با خواهد بود. از آنجایی که اهل فریب دادن هستید، پادمان می‌رود که وجودمان چقدر به نبودن نزدیک است. مثلا از کار افتادن موتور هواپیمای چیزی است که برای پایان دادن به همه چیز حتی زیاده از حد هم هست؛ حتی افتادن یک سنگ یا بردن ترمز ماشین هم می‌تواند کار را یکسره کند. اگر چه شکست همیشه کشنده نیست، اما همیشه در جه کمی از تهدید وجودی را با خود دارد. شکست پورش ناپه‌نگام عدم است به قلب وجود. تجربه شکست به معنای نقطه آغاز تگریستن به شکاف‌های بنای وجود است و این دقیقاً همان دمی است که شکست در ظاهر نفمت است و در باطن نعمت، زیرا همین تهدید مداوم و همیشگی است که ما را از شگفتگی‌های وجودمان باخبر می‌سازد. با این تعریف، شکست اثری شفا بخش و متمایز دارد.

ما ناخواسته خودمان را مهم‌تر از آنچه هستیم نشان می‌دهیم و طوری رفتار می‌کنیم که جهان فقط به هوای ما وجود دارد، شکست می‌توانست درمانی باشد برای تکبر و خودبینی مان، چنانکه حاصلش هم برایمان افتادگی و تواضع است.

۲. **ظرفیت ما در شکست خوردن برای نشان دادن اینکه ما چه هستیم مهم است**
همواره بین آنچه هستیم و آنچه می‌توانیم باشیم شکافی وجود دارد و چه دستاوردهایی که این انسان در طول تاریخ داشته و همه

سطحی از رضایت نسبی – اکثرمان چنین تظاهر می‌کنیم که آن را نمی‌بینیم اما این تظاهر هیچ‌گاه ما را از حرکت به سمت آن غایت باز نداشت؛ به سرعت هر چه بیشتر پیش می‌رویم، «به نسبت معکوس با مجذور فاصله از مرگ» ایوان لیلیچ در کتاب تولستوی استاندارده این فراینده را توصیف می‌کند. اما این شخصیت داستانی تولستوی اینجا کمکی به ما نمی‌کند. پرسش اساسی تر نسبتاً این است که چگونه به آن شکست عظیم نزدیک می‌شویم، چگونه با آن رفتار می‌کنیم و به اغوشش می‌کنیم و آن را مال خود می‌کنیم. کاری که ایوان بیچاره نتوانست انجام دهد. شاید شخصیت آنتونیوس بلاک، در فیلم «مهر هفتم» اینگمار برگمان، الگوی بهتری باشد: شوش‌الیای که از جنگ‌های صلیبی بازگشته و در آیمانش دچار بحران شده است. اعلام برائت از دولت روحانی اعتبار از دست رفت خود را کمی احیا کنند تا بتوانند در انتخابات آتی با دستنانی باز به میدان بیایند. در گبری نم‌ی‌گریزند و بخشش نمی‌خواهد. جناب مرگ همین گشمتکش با شکست‌هایمان است که ما را به کار خوب ناچیزی و ابدارد. از قضا، همین گشمتکش با شکست‌هایمان است که شاید بهترین‌ها را برایمان به ارمان بیاورد. شکاف بین آنچه هستیم و آنچه می‌توانیم باشیم همان جایی است که در آن آرمان‌شهرها به تصویر کشیده می‌شوند. آرمان‌شهرها بهترین نشانه‌اند که بیشترین ناشسته‌هایمان را به تصویر می‌کشند. آیس از شکست اهمیت این است که به رؤیای خود ادامه دهیم و همچنان قصه آرمان‌شهرها را بیایم. اگر این خوب‌هایی بودند، مادر جهانی به مراتب زشت‌تر از جهان امروز می‌زیستیم. فراتر از همه اینها، بدون رویاها و آرمان‌شهرها همچون گونه‌ای از جانوران منقرض خواهیم شد.

۳. **ما خلق شده‌ایم تا شکست بخوریم**
فارغ از اینکه چقدر زندگی‌هایمان موفقیت‌آمیز بوده یا چقدر آدم‌های باهوش و پر کار و سختکوشی هستیم، تنها یک غایت در انتظار ماست: «شکست زستی». این «تهدید وجودی» شکست همیشه با ما بوده، هر چند – برای گذران زندگی در



ترامپ رفت اما ترامپیسم هنوز هست!

می‌شد در فم، همین این واقعیت خود را به تجاهل زد که عمر برجام دست کدخدای دهکده جهانی بود و ترامپ فقط وسیله لعن و نفرین آمریکوفیل‌های داخلی به دامن ترامپ گیر می‌کند اما به پر قباوی آمریکا، نه. قمارباز برای وجهه آمریکا و صله ناجسور نبود، اصل وجهه ناجورا آمریکابود.

ترامپ هر چه بسود رفت، اما ترامپیسم که همان چهره عریان فرهنگ گلوچران‌هاست، هنوز هست. جنتلمن‌های کراوات پوش هم حالا حالاهای نامی‌توانند برای پادشاه لغت دنیا لباس آبرو بدوزند. همه می‌دانند که بایدن، خرزهره باروکش شکلاتی است.

اگر چه «جو» بژک خورش ملس است و چند وقتی قلم‌های روزمزد و حنجره‌های بی‌ترمز را اسسر گرم می‌کند، اما آخرش می‌گذارد در کاسه لیبرال‌ها تا کاسه چه‌کنم چه‌کنم دست بگیرند. برای راه‌اندازی موتور اقتصاد ما تایتانیک نمی‌تواند تک‌چرخ بزند. بایدن تیغ تحریم را با پنبه دیپلماسی سمباده می‌کشد. برای شیطان بزرگ، انقلاب ۵۷ تا انقلاب مهدی (عج) همواره محور شرارت و بزرگ‌ترین حامی تروریسم است و مهم نیست چه کسی در نیگه دنیا از خر شیطان بایین می‌آید و چه کسی سوار بر خر مرادمی‌شود.

جمهوری اسلامی زیر کارزار فشار حداکتری استخوان ترکانده اما استخوان‌های پوسیده ریگان‌ها شهادت می‌دهند، ترامپ‌ها و بایدن‌ها وارث از زو‌هایی هستند که به گور می‌روند.



۱۰ چالش دگرگونی در عرصه جهانی

دکتر بونس شکر خواه، استناد، تیباط و پینکسوت روزنامه‌نگاری در کانال تلگرامی خود ۱۰ چالش دگرگونی در عرصه جهانی را به صورت تیتروار مطرح کرد. ۱. شیوه‌ای که با هم ارتباط می‌گیریم؛ ۲. شیوه‌ای که با اطلاعات سروکار داریم؛ ۳. شیوه‌ای که یاد می‌گیریم؛ ۴. مقوله‌ها؛ ۵. ماهیت تجارت؛ ۶. ماهیت کار؛ ۷. چگونگی طراحی و ساخت چیزی‌ها؛ ۸. چگونگی پیشبرد پژوهش‌ها؛ ۹. چگونگی درک ما از بوم‌روان؛ ۱۰. اطلاعات و خدمات دولت.



دعوا و درگیری در اردوگاه اصلاحات زد و خورد رسانه‌ای خرازی و واعظی

چه کار کرده که چنین اظهاراتی داشته است. آنها بانگ‌هایی به گذشته بیبندفیل از این دولت چه شرایطی داشتند و فعالیت‌های آنها در حدی بود. این دولت همفکران آنها را در استناداری‌ها و سمت معاونت وزیر به کار گرفت و امروز به جای تشکر، طلبکار هم شدند و حرف‌های بی‌ربط می‌زنند و الان که زمان انتخابات شده در بی یکسری حرف‌های بی‌بایه و اسوا هستند.»

این انتقادات تند و تیز در حالی بعد از هفت سال مطرح می‌شود که اصلاح‌طلبان در دوره اول ریاست‌جمهوری روحانی با چماق به استقبال منتقدان سیاست‌های دولت می‌رفتند و به‌قدری فضا سنگین شده بود که به محض نقد عملکرد دولت، به‌خصوص در مذاکرات هسته‌ای باید منتظر تکفیر روزنامه‌های زیرگان بگویم یا بزنیم. اما این شکست‌های خودمان کاری نکنند که نمی‌شود. رئیس‌جمهور اجازه‌ای در دست نیست. این مشکل را خودمان ایجاد کردیم. ما اشتباه کردیم، باید از اختلافاتی است که در طول سال‌های گذشته از اختلافاتی است که در دولت این اختلافات به عرصه عمومی کشیده شده است. ۱۶ ماه صادق خرازی دبیر کل حزب «ندای ایرانیان» در ششمین کنگره این حزب با انتقاد از اصلاح‌طلبان بیان کرد: «اگر بخوایم به صورت کامل نقش خود را تبیین کنیم و به بزرگان بگویم ناصحانمان باشند و به جوانان بگویم کاری نکنند که نمی‌شود. رئیس‌جمهور اجازه‌ای دارد. ما مسئولان ستاد انتخاباتی حسن روحانی در سال ۹۲ بودم، پادم می‌آید او صادق خرازی آ در هیچ‌جای ستاد نقش نداشت. نخست‌یابید اثبات کند برای وی کار آمدن رئیس‌جمهوری

زهرها محسنی‌فر نوشت: ترامپ، امریکای بدون رتوش بود. از آن عجزه‌های کرپبی که بزرگ‌کنندگان غرب را به در دسر انداخت. آنها که در تبلیغ غربگرایی گنجشک‌ها را رنگ کرده و جای قناری‌های جاز زدند، در مقابل موطلای روسیاه جا خوردند. هر چه فو گوایما در مورد لیبرال دموکراسی بلغور کرده بود، ترامپ جوید و نش‌خوار کرد. او برای جهاز هاضمه تمدن غرب وحشی، لقمه‌گنده‌تر از دهان بود که فرو رفت و گلوگیر شد و برای جهانخواران خوش‌اشتها، نه راه پیش گذاشت و نه راه پس. عصاره فضولات امریکا به زان‌باله تاریخ پیوست تا در ضایعاتی سرمایه‌داری مدرن هم قابل بازیافت نباشد.

ترامپ، بژک پذیر نبود اما تحریف پذیر، چرا. «پرزیندت ترامپ» اگر چه واقعیتی عریان از زوال امریکا بود، اما تر کتب وصفی «ترامپ دیوانه» کلمه حقی بود که از اده باطلی در آن برای سازندگانش مستتر گردید. می‌شد تمام کاسه و کوزه‌های بی‌تدبیری را سر دیوانه‌های شکست که جفت‌پاوردبازی دنیا شده تا زری میز نظم نوین جهانی بزند. می‌شد هیچ به روی خود نیابورد که بازی دنیا اصولاً همین لگدبر اکتی‌های جهان اولی‌ها و نظم نوین جهانی همین زیر میز امنیت جهان سومی‌ها زدن است. می‌شد ظهور ترامپ گوربه‌گوری را یک بدنشاسی برای برجام، آن معجزه دیپلماسی گوگولی‌مگولی دانست که اجازه نداد از زمین لبرز عم مذاکره، گلابی رفع تحریم بروید.